

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای نویسندگان نوشتارهای علمی در مجله علمی - پژوهشی انجمن علمی فرش ایران

عکس‌ها و طرح‌ها با فلش در پشت عکس مشخص شود.
■ نوشتارها و مقاله‌ها باید در ۴ نسخه تایپ شده با نرم‌افزار Word 2003 در قطع A4 به همراه CD متن و CD تصاویر با فرمت Tif و نامه‌ای به عنوان سردبیر مجله گلجام (پایریک) به صندوق پستی مجله: تهران - صندوق پستی ۱۳۶۱-۱۳۱۴۵، فصلنامه گلجام، انجمن علمی فرش ایران و یا نشانی: تهران، خیابان سپهبد قرنی، نرسیده به پل کریمخان، نبش کوچه بهرام چوبین، ساختمان شماره ۵ وزارت بازرگانی، طبقه هشتم، انجمن علمی فرش ایران ارسال شود.
■ مشخصات نویسنده یا نویسندگان مقاله، به شرح زیر قبل از چکیده نوشته شود.

نام و نام خانوادگی - میزان تحصیلات - رشته تحصیلی - رتبه علمی - آدرس و تلفن - دورنگار یا پست الکترونیک (ابتدا نویسنده مسئول یا عهده‌دار نوشته شود)

■ ترتیب اجزاء فهرست منابع به شرح زیر است:
کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب. نام مترجم یا مصحح. ناشر. محل انتشار.
مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کامل مقاله. نام مترجم. نام مجله. دوره. شماره.

■ ارجاعات به منابع در متن نوشتار شامل نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه در انتهای نقل مطلب در پرانتز بیاید.
■ صحت نوشتارهای علمی با نویسنده یا نویسندگان است.
■ استفاده از مطالب مجله انجمن علمی فرش تنها با ذکر مأخذ، مجاز است.

■ نشانی پست الکترونیک: E-mail: abed@icsa.ir
هیأت تحریریه فصلنامه

■ در این مجله، نتیجه پژوهش‌ها و تجربه‌های علمی در زمینه فرش و زیر اندازها و توسعه دانش در این زمینه به ویژه دریکی از موضوعات: طرح و نقش، رنگ‌بندی، رنگ‌ریزی، بافت، مرمت، مواد اولیه، اقتصاد و بازرگانی، مدیریت، تاریخ و فرهنگ، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی فرش منتشر می‌گردد.

■ نوشتارهای پژوهشی، تحلیلی، نقد کتاب‌های علمی - هنری و گزارش‌های علمی و هنری در زمینه فرش و زیر اندازها نیز پس از داوری و تصویب در هیأت تحریریه قابل انتشار است.
■ مقاله‌ها باید دارای بخش‌های: چکیده فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن مقاله، نتیجه، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع و چکیده انگلیسی باشد.

■ نوشته‌های ارسالی نباید قبلاً در هیچ مجله‌ای به چاپ رسیده باشد. همچنین مقاله‌های ارسالی به این فصلنامه نباید همزمان به مجله دیگری ارائه شده باشند.

■ نوشتارهای ارسالی ترجیحاً به زبان فارسی باشند. ضمناً در صورتی که به زبان دیگری نیز ارسال شود پس از ترجمه و تصویب هیأت تحریریه به چاپ می‌رسد.

■ پی‌نوشت‌های مقاله (معادل‌های واژه‌ها - اصطلاح‌ها - توضیح‌ها) در متن به ترتیب شماره‌گذاری شده و در پایان مقاله، پیش از فهرست منابع تحت عنوان پی‌نوشت‌ها ارائه شوند.

■ اندازه نوشتارها باید بین حداقل ۵ و حداکثر ۱۵ صفحه مجله (با احتساب تمام بخش‌های مقاله) باشد.

■ تصاویر ارسالی می‌بایست به طریق رنگی و یا سیاه سفید و در ابعاد ۹ در ۱۴ سانتی‌متر باشد.

شماره عکس‌ها، طرح‌ها، جداول و نمودارها به ترتیبی که در متن مقاله به آن اشاره شده در پشت مدارک با مداد نوشته شود. جهت



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۲



فرم اشتراک فصلنامه علمی پژوهشی گلجام

شغل:

اینجانب:

نشانی پستی:

تلفن:

کدپستی:

مایل به اشتراک یک دوره یک ساله (۴ شماره) از شماره تا هستم.

هزینه اشتراک یک ساله: ۸۰۰۰ تومان

لطفاً فرم اشتراک تکمیل شده را به همراه اصل فیش بانکی شماره حساب جاری ۶۶۶۴/۶ بانک ملت شعبه چهارراه جمالزاده (کد ۶۷۳۵۵) در وجه انجمن علمی فرش ایران واریز و به نشانی: تهران، خیابان سپهبد قرنی، نرسیده به پل کریمخان، نبش کوچه بهرام چوبین، ساختمان شماره ۵ وزارت بازرگانی، انجمن علمی فرش ایران یا تهران - صندوق پستی ۱۳۶۱-۱۳۱۴۵ ارسال نمایید. تلفن: ۸۸۸۲۷۱۲۵ - ۸۸۸۲۷۱۲۶

گلجام

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران



صاحب امتیاز: انجمن علمی فرش ایران

سر دبیر: دکتر حبیب الله آیت اللهی

مدیرمسؤل: دکتر محمد تقی آشوری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر محمد تقی آشوری

دکتر حبیب الله آیت اللهی

استاد رضا الله داد

دکتر سیدجلال الدین بصام

دکتر سیروس پرهام

دکتر امیرحسین چیت ساریان

دکتر حسن خاتمی

دکتر کیخسرو سبچه

استاد محمدرضا عابد

دکتر مهرانگیز مظاهری تهرانی

دکتر مجید منتظر

عضو هیأت علمی دانشگاه هنر

عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد، دانشگاه تربیت مدرس

مدرس دانشگاه و کارشناس فرش

عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی جهاد کشاورزی

محقق فرش و صاحب تألیفات

عضو هیأت علمی دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

عضو هیأت علمی دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

محقق و عضو هیأت مدیره اتحادیه صادر کنندگان فرش

مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد مرکز ملی فرش ایران

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا

عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

مدیر داخلی: عباس اکبری

ویراستار انگلیسی: دکتر فرزانه سجودی

ویراستار فارسی: دکتر ناصر نیکو بخت

امور اجرایی: مهدی کشاورزافشار

فصلنامه گلجام دارای درجه علمی - پژوهشی بر اساس مجوز شماره ۱۳۵۸/۳۲۹۱۰/۳ مورخ ۸۳/۱۲/۱۷ از کمیسیون محترم بررسی نشریات علمی کشور - وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری می باشد.

با حمایت:





- ۵ سنت‌گرایی و سنت‌گریزی در طراحی فرش / سردبیر
- ۱۱ نقش درخت زندگی در فرش‌های ترکمنی / جمال‌الدین توماچ‌نیا، دکتر محمود طاووسی
- ۲۵ زیبایی در فرش دستباف ایران / نازیلا دریائی
- ۳۷ نمادگرایی و تأثیر آن در فرش ایران / دکتر امیرحسین چیت‌سازیان
- ۵۷ بررسی نقش و رنگ در قالی سیستان / زهرا حسین‌آبادی، دکتر زهرا رهنورد
- ۷۵ بررسی تکنیک بافت دست‌بافت‌های
عشایر فارس بافته‌های منسوخ‌شده / اشکان رحمانی، محمدتقی آشوری
- ۸۷ مقایسه ارزش افزوده فرش دستباف در شرایط تولید کارفرمایی
و خویش‌فرمایی / مهدی کیانی‌ابری، حسین خاقانی

سنت‌گرایی و سنت‌گریزی در طراحی فرش



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۵

«سنت‌گرایی و سنت‌گریزی»، بحثی که هم اکنون نُقل محفل هر طراح فرش است، سالهاست که جامعه‌ی هنری ایران با واژه‌ی «سنت» دست به گریبان است بدون آنکه مفهومی روشن و واضح از سنت داشته باشد. هنوز در مجامع علمی و هنری، نیز توسط استادان فن، اصطلاح نادرست «هنرهای سنتی» ورد زبان است، و به رغم اینکه اصطلاح «هنرهای صناعی» به جای آن پیشنهاد و پذیرفته شده است، برخی حتی، به شدت از آن دفاع می‌کنند. شاید بی‌فایده نباشد که سخنی کوتاه درباره‌ی سنت، و معنای آن در فرهنگ ایرانی اسلامی داشته باشیم (زیرا که فرهنگ ما، نیز هنر ما، در عین ایرانی بودن اسلامی است).

فرهنگ فارسی مرحوم استاد دکتر محمد معین در زیر واژه‌ی «سنت» دو مورد از معانی سنت را یادآور می‌شود: ۱- راه، روش، سیرت، طریقه، عادت. ۲- گفتار و کردار و تقریر معصوم (پیغمبر و امامان) (۱). در تفسیر واژه باید افزود که «سنت» عبارت است از: عادات و کنشهایی که از تجربه‌های اقوام و ملت‌ها نتیجه می‌شوند و در گذر تاریخ ثابت و بدون تغییر می‌مانند. در مفهوم قرآنی، بارها از «سنة الله» سخن رفته است و قرآن سنت‌های الهی را «بدون تحول و بدون تغییر» می‌داند. (۲) مرحوم دکتر سید جلال‌الدین مجتبی‌ی در ترجمه‌ی زیبای خود از قرآن مجید، سنت را «نهاد» ترجمه کرده است. و، نهاد در زبان فارسی، رفتارها، کنشها و حتی تشکیلات و سازمان‌های اجتماعی هستند که در جامعه استوار شده‌اند و در آنها تغییری به وجود نمی‌آید. بنابراین، با توجه به معنی قرآنی سنت، می‌توان مورد نخست فرهنگ معین را



چنین تکمیل کرد: سنت، راه، روش، سیرت، و طریقه‌یی است که همیشه ثابت بوده و در آن تحول و تغییری به وجود نمی‌آید. و اما هنر:

«هنر» در فرهنگهای فارسی کهن (فرهنگ واژه‌های اوستا و فرهنگ واژه‌های پهلوی، دکتر فره‌وشی) آنرا ترکیبی از هو = خوب و نره = مرد می‌دانند و در این صورت هنر = نیک مرد، رادمرد، و یا جوانمرد؛ ولی در زیر آن نوشته‌اند: کمال دانش، تقوا، فضیلت، رادمردی و جنگاوری. لیکن، در ریشه‌شناسی واژه‌های مشترک زبانهای هند و اروپایی، هنر را ترکیبی از هو = خوب + ن (حرف ربط میانواژه‌یی) + آرا = کار در حد کمال، می‌دانند. و مرحوم معین در فرهنگ خود می‌آورد: ۱- شناسایی همه‌ی قوانین عملی مربوط به شغلی و فنی، معرفت امری توأم با ظرافت و ریزه‌کاری؛ ۲- طریقه‌ی اجرای امری طبق قوانین و قواعد صنعت؛ ۳- مجموعه‌ی اطلاعات و تجارب؛ و شاهدهایی آورده است، از جمله از گلستان سعدی: «توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به خرداست نه به سال».

«شناسایی قوانین» و «معرفت امری» نمی‌توانند ثابت و بدون تغییر باشند زیرا شناسایی و معرفت بخشی از فرهنگ بشری هستند و فرهنگ هرگز ثابت، بدون تغییر و بدون تحول نیست. فرهنگ تغییر می‌کند و تحول می‌یابد، و شاکله‌ی هر تغییر و تحولی ابداع و نوآوری، یا به عبارت دیگر، خلاقیت و آفرینشگری است. نوآوری و آفرینشگری دگرگونی ایجاد می‌کند و این دگرگونی است که تنوع آثار هنری را به وجود می‌آورد.

می‌بینیم که سنت و هنر دو امر اجتماعی و فرهنگی هستند که یکی ثابت و تغییر و تحول ناپذیر است و دیگری بر خلاف، همیشه در حال تغییر و تحول و ایجاد آثاری متنوع می‌باشد. پس، هنر نمی‌تواند سنت شود و یا سنتی گردد؛ با وجود این، سنت می‌تواند در شکوفایی هنرها سهم باشد ولیکن خود نمی‌تواند هنر باشد. اما، در شرایط ویژه‌یی، یک اثر هنری می‌تواند به سنت تبدیل شود، بدین معنی که، در آغاز تکوین و پیدایش، آن اثری بوده است همراه با نوآوری، آفرینشگری و با ظرافت و ریزه‌کاری‌های لازم، که برای نخستین بار اجرا شده بود، ولیکن سپس، در دام تقلید و تکرار فرود افتاده و به پدیده‌یی ثابت و بدون تحول دگردیس گشته است، اکنون دیگر نمی‌توان آنرا هنر نامید، مانند بسیاری از آثار که در اصطلاح عامیانه به «صنایع دستی» مشهور شده‌اند. در مورد فرش و گونه‌های مختلف آن: قالی، گلیم، جاجیم و غیره، نیز همین امر صادق است.

در فرش، دو ویژگی متفاوت وجود دارد: یکی آن که در قلمرو سنت است و آن صنعت

بافندگی، از فراهم سازی امکانات، چله کشی، گره زنی، و... می باشد که گونه های مختلف آن هزاران سال است بدون تغییر و تحول برجا مانده اند، و دیگری، طرح و رنگ و نقش، که در قلمرو هنر است و تغییر و تحول پذیر است و باید هم چنین باشد. اگر طرح و رنگ و نقش هم همانند بافت ثابت بماند، آنرا سنت گرایی گوئیم و اگر در آنها نوآوری و آفرینشگری باشد و در مسیر تحول پیش رود، سنت گریزی است (که بسیاری اصطلاح سنت شکنی را ترجیح می دهند). بسیاری از سنتها هستند که در حفظ و تداوم هویت فرهنگی و ملی یک قوم، و حتی، یک مرز و بوم، نقشی اساسی دارند و حفظ و نگاهبانی از آنها از اهم امور است. بسیاری از سنتها هم هستند که جز گریز از آنها گریزی نیست، و تداوم آنها به رخوت، سکون و واپس ماندگی ملتی منجر می گردد، و، متأسفانه فرش ایران هم اکنون دچار این «سنت گرایی» واپس مانده شده است، به عبارت دیگر، و خلاصه، هنر فرش ایران بیمار است (هرچند که ممکن است این سخن پذیرای بسیاری از تولید کنندگان فرش و یا سنت گرایان این صنعت نشود)؛ گونه یی بیماری واگیر و فراگیر که، در برخی از تولید کنندگان فرش به صورت «افسردگی هنری» (اگر بتوان چنین عنوان کرد)، دگردیس شده است، و نزد گروهی دیگر، در شکل تقلید ناشایست و نسخه برداری ضعیف از آثار ارزشمند گذشتگان آشکار می شود. برخی هم با برگردان کردن عکس های رنگی از بناها، منظره ها، اشخاص و ... بر روی دار قالی و بافتن آنها به هنر فرش لطمه می زنند و بیماری او را تشدید می کنند.

هنر فرش امروز ایران از حیطة ی هنر بودن بیرون شده و وسیله یی برای ثروت اندوزی و پروار کردن اقتصاد بیمار کشور است. سازمانهای دولتی متولی صنعت فرش (و نه هنر فرش) ایران، طرحهای استادان گذشته را تکثیر می کنند و به «فرش سازان!» می فروشند؛ رنگهای شیمیایی، (و در اصطلاح بافندگان: جوهری) را، آنها در یک ردیف «رنگ پریده» و بدون هویت رنگی ایرانی، در اختیار آنان می گذرانند؛ برخی از سازمانهای مسئول خامه های رنگ شده با رنگهای ویژه ی خودشان را تهیه می کنند ولی حاضر نیستند خود رنگها را در اختیار بافندگان بگذارند؛ برخی از «نهاده ها هم کیفیت را فدای «ارزانیت!» می کنند؛ مدرسان و آموزندگان این هنر، ابتکار، ابداع و آفرینش را از نسل جوان دریغ می دارند و با تبلیغ ناخردمندانه از «هنر سنتی!» مشتاقان این هنر اصیل را به انجماد فکری رهنمون می سازند ...

اکنون چه باید کرد؟

آیا باید به سنت گرایی ادامه داد و یا لازم و ضروری است که از سنت پرهیز کرد؟ و یا تلاش





نمود که در هنر فرش تحول و تغییری ایجاد گردد تا از گردونه‌ی سنت به بیرون افتد؟ آیا اگر طرح و رنگ دگرگون شوند، فرش دیگر فرش نیست و یا فرش ایران مال ایران نیست؟ آیا گلها و گلچه‌ها، برگیا و یا به عبارت دیگر «برگینه‌ها»، گیاهان، جانوران، خمیده . خطها و راست . خطها، اگر تغییر کنند، دیگر آنچه که بودند نیستند و یا هویت خود را از دست می‌دهند؟ آیا اگر اندازه‌ها، چه در تناسبات فرشها و چه در نسبتهای آذینه‌ها و آرایه‌های آنها تغییر کنند، فاجعه‌یی به وجود می‌آید؟ اگر آری، پس چرا در گذشته چنین نشده است و آن همه تنوع و خلاقیت در آنها پدید آمده؟ و اگر نه، بنابراین چرا طراحان فرش امروز به دنبال آفرینش گری، تنوع، «دگرسازی» و «دگرآفرینی» نیستند.

هویت ایرانی فرش یا به طور کلی «فرشینه» ها، در تکرار همان عناصر، آذینه‌ها و یا به طور اصطلاح مردمی «گل‌های» قالی یا چگونگی چینش آنها در گستره‌ی فرش نیست؛ و نوآوری در ساختن تکچهره‌ی فلان یا بهمان، و یا اجرای یک نقاشی، منظره و یا عکس با فن بافت گرهی، نیست. هویت ایرانی یک فرش، یک بافته، یک نقش و یک طرح در بهره‌مندی از همه‌ی ویژگیهایی است که در گذر هزاران سال چنان به هم پیوند خورده و متحول شده‌اند که به مجرد دیدن آن به دریافت هویت ایرانی‌ش پی می‌برند و در هر کجای جهان باشد به نام ایران شناخته می‌شوند. بنابراین، هنرمند طراح:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی دیگر اندازیم

حبیب‌الله آیت‌اللهی

پی‌نوشت:

۱- فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، ص. ۱۹۲۷.

۲- «سنة الله في التي خلوا من قبل، و لن تجد لسنة الله تبديلا»؛ آیه‌ی ۶۲، سوره‌ی احزاب ۳۳.

و «فلن تجد لسنة الله تبديلا، و لن تجد لسنة الله تحويلا»؛ آیه‌ی ۴۳، سوره‌ی فاطر ۳۵.

برای آگاهی هنرمندان طرح و نقش فرش ایرانی

به نام آفریننده کیهان و جهانیان

کوتاه سخنی با آفرینندگان طرح‌ها و نقش‌های نوین و دگر-

دیس کنندگان زیبایی‌شناسی فرش ایران

همه باور داریم که هنر فرش، در نوآوری و آفرینش طرح، نقش و رنگ آمیزی آن است، به گونه‌ای که زیبا باشد و «لذت دیدار» به بیننده ارمغان بخشد. سال‌های سال است که در نقش‌های فرش ایرانی، دگرگونی و تحولی ایجاد نشده است [استثنا برای یک دو استاد بزرگوار و فرهیخته که به این اصل پای بند هستند]، و اگر احیاناً استادانی به این کار مبادرت کرده‌اند، از بیم دوستان و همکاران «سنت کار» آشکار نکرده اند؛ برای مثال، یکی از استادان فرش مشهد که به احتمال زیاد هم اکنون به «لقاءالله» پیوسته است، بیش از یک صد طرح تازه از «گلجام» طراحی کرده است ولیکن در هیچ کدام از فرش‌های او دیده نمی‌شود.

هیأت تحریریه مجله «گلجام» بر این اندیشه است که هنرمندان طراح فرش، به‌ویژه جوانان را، به جامعه هنرشناس ایرانی معرفی کند و بشناساند. بنابراین، از هنرمندان طراح فرش که مایل‌اند زندگی‌نامه و نمونه‌های کارهای آنان منتشر و شناسانده شود، یک نسخه از زندگی‌نامه خود، شامل مشخصات شخصی و تصویری از نمونه‌های کارهای خود را (همراه با CD) و با پست پیشتاز یا سفارشی به دفتر مجله ارسال فرمایند و اطمینان کامل داشته باشند که همه حقوق قانونی آنها برای ایشان محفوظ خواهد بود.

مراکز توزیع فصلنامه گلجام

- ۱- گروه‌های فرش و صنایع دستی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛ (دولتی و آزاد)
- ۲- ادارات فرش سازمان‌های بازرگانی استان‌ها و مناطق کشور.
- ۳- شعبات شرکت سهامی فرش ایران در سراسر کشور.
- ۴- ادارات میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور و موزه فرش.



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره چهار و پنج
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

